

تأثیر انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد بر توسعه صادرات غیر نفتی و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ایران در تجارت با ترکیه

محمدرضا قنبری*

حسن ثاقب**

چکیده

این مطالعه به بررسی اثرات تشکیل یک موافقتنامه تجارت آزاد بین ایران و ترکیه بر توسعه صادرات ایران به آن کشور و همچنین تأثیر آن بر تأمین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز کشور می‌پردازد. برای این منظور از یک مدل کاربردی و مورد تأیید بانک جهانی با عنوان «مدل اسمارت» که آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت ناشی از موافقتنامه را اندازه‌گیری می‌نماید، استفاده شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که پس از حذف موانع تعرفه‌ای بین ایران و ترکیه، حجم تجارت و صادرات ایران افزایش خواهد یافت و اگرچه میزان افزایش در واردات بیش از صادرات بوده و منجر به تغییرات منفی در تراز تجاری ایران با ترکیه می‌شود، اما بخش عمده افزایش واردات مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز صنایع کشور می‌باشد.

واژگان کلیدی

ایران، ترکیه، موافقتنامه تجارت آزاد، صادرات غیر نفتی، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

E.mail: ghanbari@atu.ac.ir

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

E.mail: sagheb82@yahoo.com

** عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۶/۲۳

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۳/۰۳

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۷ / زمستان ۱۳۸۹ / صص ۲۹۵-۲۷۷

مقدمه

کشور ترکیه توسعه همکاری خود با کشورهای همسایه را از سال ۲۰۰۰ میلادی، یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاست خارجی خود قرار داده و برنامه‌های زیادی را به خصوص در راستای توسعه همکاری‌های خود تدارک دیده است. پس از انجام اصلاحات اقتصادی، ترکیه به سرعت توانست بخشی از نظام سرمایه‌داری باز را در داخل مرزهای خود به اجرا درآورد که ماحصل آن رشد سریع اقتصاد این کشور در سایه فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ غربی در این کشور بود. این رشد در سایه رفع موانع مزاحم در جذب سرمایه و نیز سرمایه‌گذاری‌های کلان در این کشور امکان‌پذیر شد. به نظر می‌رسد ایران نیز بایستی با درک موقعیت جدید ترکیه از این فرصت برای ورود به بازار آن کشور بهره‌مند گردد. این امر در سایه توسعه مناسبات سیاسی فی‌مابین امکان‌پذیر خواهد بود، لذا دیپلماسی ایران در راستای تمایل ترکیه برای توسعه مناسبات با ایران به ویژه در سال ۲۰۰۹، بایستی افزایش تلاش در توسعه مناسبات سیاسی خود با کشور ترکیه قرار گیرد. سیاست‌های ایران و ترکیه برای توسعه مناسبات و معرفی فضای سرمایه‌گذاری می‌تواند در زمینه بخش ملک

و مسکن، گردشگری، نقش راهبردی ترکیه و ایران در منطقه، انرژی، بانکداری و بازار مالی باشد.

نفت و انرژی مهم‌ترین نیاز ترکیه برای نزدیکی به کشورهای منطقه است. عدم دسترسی ترکیه به منابع انرژی موجب شد تا تلاش برای رفع این نیاز را به عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین سیاست‌های خود همواره در دستور کار قرار دهد. لذا بیشتر هدف کشور مذکور در ایجاد رابطه با ایران تأمین انرژی خود می‌باشد (خبرگزاری ج.ا. ایران، ۱۳۸۷). اما جمهوری اسلامی ایران نیز بایستی تلاش کند تا از این فرصت برای توسعه صادرات غیرنفتی و تأمین نیازهای وارداتی خود به ویژه در زمینه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز صنایع به نحو مناسب استفاده نماید. لذا تشکیل منطقه تجارت آزاد بین ایران و ترکیه که بدون تردید با توجه به سیاست‌های سال‌های اخیر این کشور در ایجاد هم‌پیوندی با گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و کشورهای مختلف در جهان، مورد استقبال ترکیه به جهت دسترسی بیشتر به بازار ایران قرار خواهد گرفت، برای دستیابی به این امر موضوعی مهم و البته نیازمند بررسی همه‌جانبه است.

تحلیل قرار می‌گیرد. بخش دوم، ساختار تعرفه‌ای ترکیه و همچنین ایران در سال ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش سوم به روش‌شناسی تحقیق و متدلوژی مورد استفاده اختصاص دارد. بخش چهارم نتایج تحقیق ارائه و بحث و بررسی می‌شود. جمع‌بندی و پیشنهادات مقاله نیز در بخش پایانی ارائه می‌گردد.

۱- بررسی جایگاه ایران در تجارت جهانی ترکیه

ارزش کل تجارت ترکیه و جایگاه ایران (سال ۲۰۰۷): بر اساس آخرین اطلاعات آماری گزارش شده از سوی کشور ترکیه به بانک جهانی کل ارزش تجارت ترکیه (مجموع ارزش صادرات و واردات) با جهان در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۲۷۷ میلیارد دلار برآورد شده است.^(۱) که از این حجم تجارت حدود ۱۷۰ میلیارد دلار (۶۱/۳ درصد) مربوط به واردات و حدود ۱۰۷ میلیارد دلار (۳۸/۷ درصد) نیز مربوط به صادرات است. این ارقام کسری تراز تجاری حدود ۷۰ میلیاردی را نشان می‌دهد.

بر اساس آمار سال ۲۰۰۷، حدود ۱/۴ میلیارد دلار (۱/۳ درصد) از کل صادرات ترکیه به ایران صورت می‌پذیرد. همچنین ایران در ترکیب واردات ترکیه، جایگاه مناسب‌تری در مقایسه با صادرات دارا

این مقاله سعی دارد تا پس از بررسی وضعیت فعلی تجارت ایران با کشور ترکیه، آثار بالفعل حذف موانع تعرفه‌ای بین دو طرف تجاری در چارچوب تشکیل منطقه تجارت آزاد را بر افزایش صادرات ایران و همچنین افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای برآورد و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. انجام این برآورد مبتنی بر نظریات تجارت بین‌الملل مبتنی بر وجود دو اثر تحت عنوان اثر ایجاد تجارت^۱ و اثر انحراف تجارت^۲ پس از ایجاد موافقتنامه‌های منطقه‌ای می‌باشد (Viner, 1950). برآوردهای این مقاله در خصوص تغییرات تجارت در قالب یک مدل تعادل جزئی متکی بر واردات اولیه، تغییرات تعرفه‌ای، کشش تقاضای واردات، کشش جانشمینی واردات و ارزش واردات اعضای FTA از شرکای تجاری رقیب به تفکیک کدهای کالایی شش رقمی (HS)^۳ انجام می‌گیرد (Jachia L. and Teljeur E, 1998).

ساختار مقاله حاضر بدین‌گونه است که در بخش اول ضمن بررسی جایگاه ایران در تجارت جهانی ترکیه، روند صادرات و واردات کشور ترکیه به جهان و ایران مورد تجزیه و

1. Trade Creation (TC)
2. Trade Diversion (TD)
3. Harmonized System Codes (HS Code) Commodity Classification

می‌باشد. به طوری که مطابق آمار موجود در سال ۲۰۰۷، واردات ترکیه از ایران حدود ۶/۶ میلیارد دلار (۳/۹ درصد) بوده است، این ارقام نشان می‌دهد صادرات ایران بیش از پنج برابر واردات از کشور ترکیه بوده است. بررسی واردات ترکیه طی سال‌های اخیر حاکی است حدود ۱۰ درصد از کل واردات ترکیه از جهان را نفت خام و گاز طبیعی تشکیل می‌دهد. بر اساس همین آمار، ایران به تنهایی حدود ۲۰ درصد از نیازهای نفت و گاز ترکیه را تأمین می‌کند. همچنین بر اساس گزارشات آماری کشور ترکیه، حدود ۷۰ درصد واردات ترکیه از ایران را نیز نفت خام و گاز طبیعی تشکیل می‌دهد. بنابراین بخش عمده کالاهای وارداتی ترکیه از ایران شامل نفت خام و گاز طبیعی است، لذا حدود ۲/۱ میلیارد دلار از کل واردات ترکیه از ایران (یا صادرات ایران به ترکیه) شامل کالاهای غیرنفتی می‌شود که این میزان واردات غیرنفتی کشور ترکیه از کشور ایران، بیانگر اهمیت ترکیه در بخش صادرات غیرنفتی ایران است.

روند صادرات ترکیه طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۲: برای بررسی وضعیت تجارت ترکیه با جهان و همچنین روند تجارت این کشور با ایران از گزارشات آماری ترکیه به سازمان‌ها و

مراکز آماری بین‌المللی مانند انکتاد، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از جمله مراکز معتبر جهان استناد شده است. مطابق آخرین اطلاعات آماری، صادرات ترکیه به جهان از ۳/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۴/۶ درصد، به ۳/۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱) - روند صادرات ترکیه به جهان، ایران (طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۲) ارقام به میلیارد دلار

نرخ رشد متوسط دوره	سال						کشور/ منطقه
	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	
۲۴/۶	۱۰۰/۳	۸۰/۸	۶۹/۶	۶۰	۴۵	۳۴/۳	جهان
	۳۵/۱	۱/۴	۱۰/۷	۰/۹۱	۰/۸۱	۰/۵۳	ایران
	۸/۵	۱/۲۹	۱/۲۵	۱/۲۴	۱/۲۹	۱/۱۳	سهم (درصد)
۲۷/۱	۱۷۰/۱۱	۱۳۸/۶	۱۱۶/۸	۹۷/۵	۶۹/۳	۵۱/۳	جهان
	۴۸/۴	۶/۶۱	۵/۶۲	۳/۴۷	۱/۹۶	۱/۸۶	ایران
	۱۶/۷	۳/۹	۴/۱	۳	۲	۲/۷	سهم (درصد)

مأخذ: <http://wits.worldbank.org> و محاسبات تحقیق

واردات ترکیه از ایران بیش از رشد واردات این کشور از جهان بوده و سهم ایران در بازار این کشور طی سال‌های مورد بررسی ۱۶/۷ درصد رشد داشته است.

۲- بررسی موانع تعرفه‌ای

بر اساس آخرین آمار گزارش شده از سوی کشور ترکیه، تعداد اقلام صادراتی کشور مذکور به ایران ۲۲۴۰ قلم بوده و تعداد اقلام وارداتی از ایران ۴۸۷ مورد گزارش شده است. بررسی تنوع کالاهای تجاری بین ترکیه و ایران حاکی است کالاهای صادراتی ترکیه به ایران تنوع بسیار بیشتری در مقابل کالاهای وارداتی ترکیه از ایران دارد، به طوری که تمرکز کالاهای وارداتی ترکیه از ایران بر تعداد معدودی از کالاها می‌باشد.

ساختار تعرفه‌ای ترکیه: بررسی وضعیت موانع تعرفه‌ای کشور ترکیه در سال ۲۰۰۷ حاکی است کشور مذکور دارای ۱۲۲۶۲ ردیف تعرفه‌ای در سطح کدهای ۱۰ رقمی HS می‌باشد. ماکزیمم تعرفه‌های کشور ترکیه ۲۲۵ و مینیمم آن صفر است. مطابق جدول شماره (۲)، ۲۳/۷ درصد از ردیف‌های تعرفه‌ای ترکیه (۲۹۰۵ ردیف تعرفه‌ای) دارای تعرفه صفر می‌باشد.

مطابق جدول شماره (۱)، صادرات ترکیه به ایران نیز از ۰/۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲، به ۱/۳۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ بالغ گردیده است. مقایسه سهم ایران در جذب صادرات ترکیه نشان می‌دهد که این سهم از ۰/۸۶ در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۸/۵ درصد، به حدود ۱/۳ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر بازار ایران، بازار مناسبی جهت توسعه فعالیت‌های صادرکنندگان آن کشور طی سال‌های اخیر بوده است.

روند واردات ترکیه طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۲: به طور کلی طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷، واردات ترکیه از جهان رشد بیشتری در مقایسه با صادرات این کشور به جهان داشته است. بر اساس آمار گزارش شده، واردات ترکیه از ۵۱/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۷/۱ درصد، به ۱۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ بالغ گردیده است.

مطابق گزارشات آماری ترکیه به مراکز رسمی بین‌المللی (انکتاد و بانک جهانی)، واردات ترکیه از ایران از ۰/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه بیش از ۴۸ درصد، به ۶/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است (جدول شماره ۱). رشد

جدول شماره (۲) - ساختار تعرفه‌های کشور ترکیه در سال ۲۰۰۷

سطوح تعرفه‌ای	تعداد	سهم از کل	تجمعی
تعرفه ≤ 100	۳۴۰	۲/۸	۹۷/۶
۱۰۰ \leq تعرفه ≤ 50	۵۸۴	۴/۸	۹۴/۸
۵۰ \leq تعرفه ≤ 20	۷۶۵	۶/۲	۹۰/۱
۲۰ \leq تعرفه ≤ 10	۱۰۲۲	۸/۳	۸۳/۸
۱۰ \leq تعرفه ≤ 5	۲۶۸۳	۲۱/۹	۷۵/۵
۵ \leq تعرفه ≤ 3	۱۴۵۶	۱۱/۹	۵۳/۶
۳ \leq تعرفه ≤ 0	۲۲۱۳	۱۸	۴۱/۷
تعرفه صفر	۲۹۰۵	۲۳/۷	۲۳/۷
تعرفه غیر ارزشی	۱۲۷	۱/۱	-
فاقد تعرفه	۱۶۷	۱/۴	
کل ردیف‌های تعرفه ای	۱۲۲۶۲	۱۰۰	-

مأخذ: www.unctad.org/Trains و محاسبات تحقیق
 بیشترین فراوانی سطوح تعرفه‌ای مربوط به اقلامی است که دارای تعرفه‌های زیر ۱۰ درصد بوده و بررسی‌ها حاکی است بیش از ۷۵ درصد کل ردیف‌های تعرفه‌ای ترکیه زیر ۱۰ درصد می‌باشد. بنابراین کمتر از ۲۵ درصد ردیف‌های تعرفه‌ای ترکیه دارای تعرفه بالاتر از ۱۰ درصد می‌باشد. کمترین فراوانی مربوط به تعرفه‌های بالای ۱۰۰ درصد و در حدود ۲/۸ درصد از کل ردیف‌های تعرفه‌ای ترکیه می‌باشد.

بررسی تعرفه‌های ترکیه بر صادرات ایران در سال ۲۰۰۷ مربوط به ۴۸۷ کد

کالایی وارداتی حاکی است که میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های ترکیه بر واردات از ایران به ترتیب ۳/۲ و ۱/۲۴ درصد بوده است. در بین تعرفه‌های MFN^۴ در سطح کدهای ده رقمی HS، ۲۸۰ قلم کالا شامل تعرفه‌های GSP و تعرفه ترجیحی کشورهای در حال توسعه^۵ است. ۱۲۷ قلم کالا (در سطح کدهای ده رقمی HS) دارای تعرفه‌های غیرارزشی می‌باشند و ۱۶۷ ردیف تعرفه‌ای نیز فاقد تعرفه‌اند، یعنی تعرفه‌های مقطوعی که اعلام نشده است.^۶ بررسی کلیه ردیف‌های تعرفه‌ای کشور ترکیه در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که متوسط کل سطح تعرفه‌های کشور ترکیه ۱۳/۵ درصد می‌باشد. همچنین بررسی سطح تعرفه کالاهای کشاورزی^(۲) ترکیه در سال ۲۰۰۷ به تفکیک کدهای ده رقمی HS حاکی است که متوسط تعرفه‌های این دسته از کالاها در سطح بالا و در حدود ۵۹/۶ درصد می‌باشد. همچنین متوسط تعرفه‌های غیرکشاورزی این کشور در سطح ۵/۰۴ درصد تعیین شده است.

هرچند کشور ترکیه از اعضای سازمان جهانی تجارت بوده و کلیه تعرفه‌های این کشور MFN می‌باشد، اما بررسی آخرین

4. Most-Favoured-Nation (MFN) rates
 5. Preferential tariff for MFH-Other
 6. Missing rate

ارائه شده است. در سال ۲۰۰۷، واردات ۲۲۴۰ کالای مختلف از ترکیه صورت پذیرفت. متوسط حسابی تعرفه‌های واردات ۲۸/۹ درصد و متوسط وزنی آن ۲۴/۷ درصد می‌باشد. مطابق جدول فوق، بیش از ۲۰ درصد کالاهای وارداتی ایران دارای تعرفه‌های بالای ۵۰ درصد می‌باشند. همچنین ۴۹۹ قلم کالا (۲۲/۳ درصد) دارای حداقل تعرفه ۴ درصد می‌باشد. تعرفه‌های بین ۴ تا ۱۰ درصد کمترین فراوانی را داشته و بیشترین فراوانی تعرفه‌های بین ۱۰ تا ۵۰ درصد است. در حالی که ایران تعرفه صفر بر واردات هیچ کالایی وضع نکرده، ۲۳/۷ درصد از کالاهای ترکیه دارای تعرفه صفر است.

جدول شماره (۳) - ساختار تعرفه ای کشور ایران در سال ۲۰۰۷

ردیف	تعداد ردیف تعرفه	سطح تعرفه	درصد از کل
۱	تعرفه $\leq 10\%$	۱۱۸	۵/۳
۲	$10\% < \text{تعرفه} \leq 50\%$	۳۴۱	۱۵/۲
۳	$50\% < \text{تعرفه} \leq 30\%$	۳۸۴	۱۷/۱
۴	$30\% < \text{تعرفه} \leq 20\%$	۳۲۷	۱۴/۶
۵	$20\% < \text{تعرفه} \leq 10\%$	۵۰۸	۲۲/۷
۶	$10\% < \text{تعرفه} < 4\%$	۶۳	۲/۸
۷	تعرفه = ۴٪	۴۹۹	۲۲/۳
	کل	۲۲۴۰	۱۰۰

مأخذ: www.unctad.org/Trains و محاسبات تحقیق

۳- روش تحقیق

منطقه‌گرایی در قالب اتحادیه‌های گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و

اطلاعات دریافتی از وضعیت تعرفه‌های این کشور (در سطح کدهای ۱۰ رقمی HS) نشان می‌دهد که کشور مذکور تعرفه‌های خود را بر واردات از کشورهای مراکش، سوریه، تونس، اسرائیل، ماکائو، کرواسی، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه و همچنین نوار غزه در سطح صفر تعیین نموده است. همچنین بررسی سطح تعرفه‌های شرکای تجاری ترکیه از جمله مراکش، بوسنی و هرزگوین و کرواسی نیز نشان می‌دهد که در قبال واردات از ترکیه تعرفه‌های خود را در سطح صفر تعیین شده است. این امر نشان‌دهنده اقدام ترکیه و هر یک از این کشورها در تشکیل منطقه تجارت آزاد^۷ می‌باشد. اینکه چگونه کشوری مانند ترکیه و بحرین که عضو WTO می‌باشد، همزمان اقدام به برقراری FTA با کشورهای دیگر نمودند، موضوعی است که نیازمند مطالعه و توجه بیشتر کارشناسان و سیاستگذاران بخش روابط تجاری بین‌المللی ایران به منظور تصمیم‌گیری مناسب‌تر در خصوص حضور ایران در موافقتنامه‌های منطقه‌ای مختلف می‌باشد.

ساختار تعرفه‌ای ایران: وضعیت تعرفه ایران بر واردات کالاها از ترکیه در سطح کدهای شش رقمی HS در جدول شماره (۳)

7. Free Trade Agreement (FTA)

اتحادیه پولی و همچنین موافقتنامه‌های ترتیبات تجاری ترجیحی (PTA) و مناطق آزاد تجاری (FTA) هر یک مقررات خاص خود را دارند. منافع و پیامدهای ادغام‌های اقتصادی در دو حالت پویا و ایستا قابل بررسی است. آثار پویای ادغام‌های اقتصادی با افزایش رقابت، صرفه‌جویی‌های مقیاس، تشویق سرمایه‌گذاری و استفاده مطلوب‌تر از منابع اقتصادی حاصل می‌شود که هر یک از عوامل فوق بر روند رشد اقتصادی مؤثر می‌باشند. اندازه‌گیری این اثرات پویا با استفاده از مدل‌های تعادل عمومی البته در سطح کل تجارت و با در نظر گرفتن متغیرها در سطح کل اقتصاد امکان‌پذیر می‌باشد که به دلیل عدم دسترسی به آمار و اطلاعات کافی در خصوص متغیرهای مورد نیاز مدل و کلی بودن نتایج و همچنین عدم توجه به جزئیات در سطح کدهای کالایی (مورد نیاز در زمان مذاکرات) مورد نظر این مطالعه نمی‌باشد. اما اثرات ایستای تشکیل همگرایی‌های منطقه‌ای بر حسب دو اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت قابل اندازه‌گیری است.

نظریات گوناگونی در خصوص آثار موافقتنامه‌های ترجیحی (PTA) بین کشورها بر روابط تجاری آنها ارائه شده است که در

بین آنها ژاکوب واینر (۱۹۵۰) از پیشگامان ارائه این گونه نظریات می‌باشد. در سال‌های بعد اقتصاددانانی مانند لیپسی، لنکستر، هری جانسون و جیمز مید به تکمیل و گسترش نظریه واینر پرداختند. «نظریه واینر» بر این اعتقاد استوار است که موافقتنامه‌های ترجیحی تجارت چون با آزادسازی غیر تبعیضی تجارت تفاوت دارد، می‌تواند تجارت را در بین اعضاء گسترش (ایجاد تجارت)، ولی در عین حال رفاه آنان و رفاه جهانی را کاهش دهد و تجارت را در کشورهایی که در تولید کالاهای وارداتی اعضای موافقتنامه کارایی دارند، منحرف کند (انحراف تجارت) و در نهایت از طریق جایگزینی محصولات دارای کیفیت بالا با محصولات دارای کیفیت پایین‌تر، سبب کاهش رفاه مصرف‌کننده در بین اعضاء و عدم تخصیص بهینه منابع گردد. واینر معتقد است که آزادسازی‌های تبعیضی در قالب موافقتنامه‌های ترتیبات ترجیحی و اتحادیه گمرکی دارای دو اثر متفاوت است. از یک طرف سبب افزایش رقابت و تجارت در بین اعضاء می‌شود که گامی به سوی آزادسازی تجارت است و از طرف دیگر این ترتیبات می‌تواند سبب افزایش حمایت و افزایش محدودیت‌ها بر رقابت در بقیه نقاط جهان شود که خود عاملی در جهت

حمایت‌گرایی است (ثاقب و صادقی یارندی، ۱۳۸۵).

یکی از روش‌های کاربردی در زمینه محاسبه آثار ایستای تشکیل موافقتنامه‌های منطقه‌ای مدل WITS/SMART است که در چارچوب یک مدل تعادل جزئی و در حالت ثبات سایر شرایط^۸ انجام می‌پذیرد (Jachia and Teljeur, 1998). این مدل شبیه‌سازی اثرات موافقتنامه ناحیه تجارت آزاد (FTA) را بر جریان‌های تجاری دوجانبه یا چندجانبه با دیگر شرکای تجاری نشان می‌دهد. در این مدل برای تعیین اثرات موافقتنامه، سمت واردات و سمت صادرات به‌صورت جداگانه بررسی و سپس با تلفیق این دو به تعیین اثر خالص مبادرت شود. پیش‌بینی شبیه‌سازی اسمارت به‌طور مستقیم متأثر از سه متغیر کلیدی یعنی سطح جاری تجارت، اندازه کاهش تعرفه و کشش تقاضای واردات می‌باشد. کل آثار ایجاد منطقه تجارت آزاد از مجموع دو اثر ایجاد تجارت (TC) و انحراف تجارت (TD) محاسبه می‌گردد. معمولاً در اغلب مطالعات برای تحلیل آثار موافقتنامه‌های همگرایی منطقه‌ای به‌ویژه در هنگام آغاز مذاکرات تجاری و در بررسی‌های اولیه اثرات ایستا مورد توجه قرار گرفته و با

استفاده از مدل‌های تعادل جزئی این بررسی‌ها انجام می‌پذیرد.

مطالعات متعددی برای برآورد و اندازه‌گیری آثار ایجاد مناطق آزاد یا موافقتنامه‌ها و ترتیبات ترجیحی انجام شده است. از جمله مطالعات خارجی که از مدل‌های تعادل جزئی به منظور اندازه‌گیری آثار مذکور استفاده نموده‌اند، مطالعه جاپا و تلجر (Jachia, L. & et al., 1998)، تاسیکاتا (Tsikata, Y. M., 1999)، ماتیاس باس و دیگران (Busse, M & et al., 2000) و وان سونتر (Van Seventer, D. E., & et al., 2001) می‌باشند که جامع و کامل‌ترین آنها مطالعه جاپا و تلجر از کارشناسان بانک جهانی می‌باشد که اثرات موافقتنامه ناحیه تجارت آزاد بر جریان تجاری دوطرفه بین افریقای جنوبی و اتحادیه اروپا (EU)^۹ را مورد بررسی قرار داده‌اند. در داخل کشور نیز مطالعات پراکنده‌ای با به‌کارگیری مفاهیم ایجاد تجارت و انحراف تجارت انجام شده است که مطالعات اشرف‌زاده (اشرف زاده، ۱۳۷۵)، ارباب (ارباب، ۱۳۸۰)، ثاقب (ثاقب، ۱۳۸۶) از آن جمله می‌باشند. در یکی از مطالعات نیز آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دوجانبه ایران و پاکستان با به‌کارگیری مدل تعادل جزئی

اسمارت در دو سناریوی کاهش تعرفه‌های مورد بررسی قرار گرفته است (ثاقب و صادقی یارندی، ۱۳۸۵).

در این مقاله برای اندازه‌گیری ایجاد تجارت از یک تابع تقاضای واردات و عرضه صادرات ساده شده کالای i از کشور k استفاده می‌شود و رابطه مورد نظر برای محاسبه اثر ایجاد تجارت به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$TC = M_{ijk} \eta_i^m \frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$$

به طوری که TC متأثر از واردات اولیه کالای i از کشور k (M_{ijk})، تغییرات سطوح تعرفه‌های کالای i در کشور j ($\frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$) و

همچنین کشش تقاضای واردات کالای i از کشور k توسط کشور j (η_i^m) می‌باشد.

در مورد کشش تقاضای واردات که از متغیرهای مهم مدل فوق می‌باشد، از کشش‌های محاسبه‌شده توسط کارشناسان انکتاد و بانک جهانی که در سطح کدهای کالایی شش رقمی HS محاسبه شده استفاده می‌شود. فرمول محاسبه اثر ایجاد تجارت متأثر از کشش تقاضای واردات است. در واقع کشش تقاضای واردات یکی از پارامترهای کلیدی است که نتایج را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به‌طور کلی در مدل‌های تجارت کشش‌های صادرات و واردات و متغیرهای سیاست تجاری از متغیرهای کلیدی می‌باشند. مطابق با فرضیه آرمینگتون^{۱۰} کشش‌های جانشینی بین کالاها با استفاده از کشش‌های تقاضای واردات و صادرات که در مدل‌های تجربی دیگر برآورد شده است، به یکدیگر مرتبط می‌گردند و در این زمینه می‌توان از برآوردهای تجربی تحقیقات دیگر استفاده نمود. به‌عنوان مثال رابرت استرن و دیگران (Stern, R and others, 1976) برخی از کشش‌های تجاری را که بهترین تخمین در مورد مناطق و کالاهای مختلف بوده است، در مجموعه‌ای جمع‌آوری نمودند. اغلب این کشش‌های برآوردی نسبتاً پایین و حول و حوش یک بوده‌اند و تحقیقات انجام یافته در این زمینه طی سال‌های متمادی، منطقی بودن آنها را از لحاظ تئوریک به اثبات رسانده است. محاسبه کشش‌ها در هر تحقیق مشکلاتی را به‌بار خواهد آورد از جمله اینکه به‌کارگیری برخی از تخمین‌ها که علامت کشش آنها در جهت خلافی بوده و بیانگر افزایش تقاضای واردات در اثر افزایش قیمت می‌شود، غیرممکن است. همچنین در

10. Armington.p.s

بزرگ‌تر یا کوچک‌تر بودن اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت در کشور i به دلیل تغییر واردات کالا از کشور تولیدکننده با کارآیی بالاتر به سمت کشور تولیدکننده با کارآیی پایین‌تر، افزایش یا کاهش خواهد یافت. برای اندازه‌گیری انحراف تجارت از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$TD_{ijk} = \frac{M_{ijk} \sum_k M_{ijk} \sum_K M_{ijk} \frac{\Delta(P_{ijk}/P_{ijk})}{(P_{ijk}/P_{ijk})} \sigma_m}{\sum_k M_{ijk} \sum_k M_{ijk} + \sum_K M_{ijk} + \sum_k M_{ijk} \frac{\Delta(P_{ijk}/P_{ijk})}{(P_{ijk}/P_{ijk})} \sigma_m}$$

که در آن: TD_{ijk} نشان‌دهنده میزان انحراف تجارت کشور عضو موافقتنامه (اندیس k مربوط به کشور عضو موافقتنامه و اندیس K مربوط به کشورهای غیر عضو است). M_{ijk} نشان‌دهنده ارزش واردات از کشور عضو موافقتنامه M_{ijK} نشان‌دهنده واردات از کشورهای غیر عضو

σ_m نشان‌دهنده کشش جانشینی واردات کالا (که به استاندارد مدل اسمارت مقدار ثابت $1/5$ - برای آن در نظر گرفته می‌شود) که بیانگر تغییر در قیمت نسبی کالای وارداتی i بین کشورهای عضو و غیر عضو است و از رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

مورد برخی از کالاها نیز هیچ‌گونه تخمینی وجود ندارد (Jachia and Teljeur, 1998).

هر چند در مدل اسمارت در سالیان گذشته از کشش‌های داده شده‌ای بین $0/85$ - و $1/5$ - برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته استفاده می‌گردید، اما هم‌اکنون کشش‌های به کار رفته در این مطالعه برای کدهای کالایی مختلف (در سطح کدهای شش رقمی HS) متفاوت بوده و توسط کارشناسان انکتاد و بانک جهانی از مدل تجارت جهانی برآورد شده است. با توجه به اینکه امکان محاسبه کشش تقاضای واردات برای تمامی کالاها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که غالباً واردات آنها از یک روال مستمر و منطقی تبعیت نمی‌کند، امکان پذیر نمی‌باشد، به نظر می‌رسد استفاده از کشش‌های محاسبه‌شده در قالب مدل SMART/WITS مناسب‌ترین گزینه باشد که در این مطالعه نیز به کار رفته است.

انحراف تجارت در واقع افزایش در واردات هر کشور عضو موافقتنامه (کشور i) از کشور دیگر عضو موافقتنامه (کشور j) به دلیل کاهش در قیمت نسبی کالاهای وارداتی نسبت به شرکای غیر عضو در موافقتنامه است که در واقع ترکیب جغرافیایی واردات را تغییر می‌دهد. شایان ذکر است با توجه به

$$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} = \frac{1 + T_1^k}{1 + T_1^K} - 1$$

در رابطه فوق: T_0^k و T_0^K به ترتیب بیانگر تعرفه اولیه کالا i توسط کشور Z بر واردات از کشورهای عضو و غیرعضو است. T_1^k و T_1^K به ترتیب بیانگر تعرفه وضع شده بر کالا i توسط کشور Z بر واردات از کشور عضو و غیرعضو پس از ایجاد موافقتنامه می‌باشند.

حذف تعرفه‌ها باعث افزایش شدید در تجارت خواهد شد که در این حالت مدل اسمارت کل آثار ایجاد موافقتنامه ترجیحی تجارت را کمتر از حد تخمین می‌زند که این مسئله از نقاط ضعف این مدل محسوب می‌باشد. برای رفع این مشکل می‌توان به بررسی آثار بالقوه موافقتنامه از طریق اندازه‌گیری پتانسیل و اکمال تجاری پرداخته می‌شود که مورد نظر این مقاله نمی‌باشد.

۴- نتایج

در این بخش به برآورد آثار ایستای حذف موانع تعرفه‌ای اعضای FTA بین ایران و ترکیه بر صادرات بالفعل ایران به کشورهای مذکور پرداخته می‌شود. همان‌طور که در بخش روش تحقیق اشاره گردید، حذف تعرفه‌ها در بین اعضای منطقه تجارت آزاد یعنی ایران و ترکیه، موجب افزایش واردات بالفعل هر کشور از دیگر عضو می‌شود. این افزایش واردات در قالب دو اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت قابل اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل می‌باشد. بخشی از افزایش واردات که ناشی از اثر ایجاد تجارت است، به دلیل ارزان تر شدن کالاهای داخلی هر کشور عضو برای سایر کشورهای عضو پس از کاهش تعرفه‌ها رخ می‌دهد. در این حالت تولیدات

در مقاله حاضر، کلیه برآوردها ابتدا در سطح کدهای کالایی شش رقمی HS صورت پذیرفته است. سپس نتایج در سطح کل تجارت محاسبه و ارائه می‌گردد. همان‌طور که اشاره شد، در مدل اسمارت، ایجاد تجارت رابطه مستقیم با مقدار جاری واردات دارد؛ بنابراین برای آن دسته از ردیف‌های تعرفه‌ای که قبل از اجرای موافقتنامه تجارتی رخ نداده باشد، شبیه‌سازی نشان می‌دهد که در بعد از اجرای موافقتنامه نیز تجارتی رخ نخواهد داد. لازم به ذکر است چنانچه فقدان تجارت در مورد یک خط تعرفه‌ای کالایی خاص بدلیل عدم وجود مزیت نسبی باشد، این تخمین کاملاً قابل قبول است. اما اگر نبود تجارت به دلیل بالا بودن تعرفه‌ها باشد، کاهش یا

به ترکیه، ابتدا آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت در ترکیه به نفع ایران محاسبه شده و سپس از تجمیع آثار مذکور، تغییرات در صادرات ایران به ترکیه برآورد می‌شود. همچنین به منظور پیش‌بینی تغییرات در واردات ایران از ترکیه، آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت در ایران به نفع ترکیه اندازه‌گیری شده و سپس با تجمیع این آثار میزان تغییر در واردات ایران از ترکیه پیش‌بینی شده است.

پس از برآورد آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت در هر یک از کشورهای ایران و ترکیه به نفع دیگری در سطح کدهای شش رقمی HS، نتایج در سطح کل محاسبه شده و خلاصه آن به صورت جدول شماره (۴) ارائه شده است.

تغییرات در صادرات ایران: بر اساس برآوردهای انجام شده، کل افزایش در صادرات ایران به ترکیه معادل ۱۴۹۴۸۳ هزار دلار پیش‌بینی شده است که معادل ۹۵۹۹۰ هزار دلار (۶۴ درصد) از آن مربوط به اثر ایجاد تجارت در ترکیه به نفع ایران و معادل ۵۳۴۹۴ هزار دلار (۳۶ درصد) مابقی نیز مربوط به اثر انحراف تجارت در ترکیه به نفع ایران می‌باشد. بر اساس این پیش‌بینی، پس از

داخلی هر کشور عضو جای خود را به واردات از سایر اعضا می‌دهد. اما بخش دیگر افزایش واردات کشورهای عضو ناشی از اثر انحراف تجارت خواهد بود. انحراف تجارت بخشی از افزایش واردات هر کشور عضو از سایر اعضا است که کشورهای عضو واردات خود را از کشورهای غیر عضو کاسته و به همان میزان از کشورهای عضو تأمین نمایند. این اثر نیز پس از ارزان تر شدن کالاهای کشورهای عضو نسبت به کشورهای غیر عضو به دلیل کاهش تعرفه‌های اعضا رخ می‌دهد. اثر انحراف تجارت حجم واردات کشورهای عضو را تغییر نداده و تنها مکان جغرافیایی واردات را از غیر عضو به عضو تغییر می‌دهد. به همین دلیل باعث کاهش واردات از کشورهای غیر عضو شده و در واقع به زیان کشورهای صادرکننده غیر عضو خواهد انجامید. اگرچه اثر انحراف تجارت باعث افزایش کل واردات یک کشور عضو نمی‌شود، اما افزایش واردات از کشور عضو را به دنبال خواهد داشت.

شایان ذکر است اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت در سطح کدهای HS شش رقمی محاسبه شده است و پس از تجمیع نتایج، در سطح کل ارائه می‌شود. به منظور پیش‌بینی میزان تغییرات در صادرات ایران



ایجاد FTA احتمالی بین ایران و ترکیه، صادرات بالفعل ایران به ترکیه حدود ۶/۲ درصد رشد خواهد داشت. از این رو با فرض ثبات سایر شرایط چنانچه تنها حذف موانع تعرفه‌ای مدنظر باشد، تشکیل FTA منجر به گسترش صادرات کالاهای فعلی صادراتی می‌گردد (آثار ایستای موافقتنامه)، هرچند این افزایش به بخش کثیری از کالاهای دیگر که هم اکنون صادر نمی‌شود نیز تسری خواهد یافت (آثار پویای موافقتنامه).

تغییرات در واردات ایران: بر اساس برآوردهای انجام شده کل افزایش در واردات ایران از ترکیه پس از تشکیل FTA، معادل ۶۶۶۱۵۶ هزار دلار پیش‌بینی شده است که ۴۰۵۸۷۰ هزار دلار (۶۱ درصد) از آن مربوط به اثر ایجاد تجارت در ترکیه به نفع ایران و ۲۶۰۲۸۶ هزار دلار (۳۹ درصد) مابقی مربوط به اثر انحراف تجارت در آن کشور به نفع ایران می‌باشد. بر اساس این پیش‌بینی، پس از ایجاد FTA، واردات بالفعل ایران از ترکیه ۴۷/۷ درصد رشد خواهد داشت.

جدول شماره (۴) - خلاصه نتایج آثار ایجاد

موافقتنامه FTA بین ایران و ترکیه

ردیف	وضعیت	روابط ریاضی	FTA قبل از	FTA پس از	درصد تغییرات
۱	صادرات غیرنفتی ایران (۲۰۰۷)		۲۲۲۰۶۰۲	۲۵۷۰۰۸۶	۱۶٪
۲	واردات ایران از ترکیه (۲۰۰۷)		۱۳۷۸۲۵	۲۰۶۴۰۰۱	۴۷٪
۳	کل تجارت غیرنفتی با ترکیه	۳=۱+۲	۳۸۱۸۴۴۷	۴۶۳۴۰۸۷	۲۱٪
۴	تراز تجاری غیرنفتی ایران با ترکیه	۴=۱-۲	۱۰۳۲۷۵۷	۵۰۶۰۸۴	۵۰٪
۶	ایجاد تجارت در ترکیه به نفع ایران			۹۵۹۹۰	
۷	انحراف تجارت در ترکیه به نفع ایران			۵۳۴۴	
۸	افزایش صادرات غیرنفتی ایران	۸=۶+۷		۱۴۹۳۳	
۹	ایجاد تجارت در ایران به نفع ترکیه			۴۰۵۸۷۰	
۱۰	انحراف تجارت در ایران به نفع ترکیه			۲۶۰۲۸۶	
۱۱	افزایش واردات ایران از ترکیه	۱۱=۹+۱۰		۶۶۶۱۵۶	
۱۲	افزایش در تجارت غیرنفتی ایران با ترکیه	۱۲=۸+۱۱		۸۱۵۴۳۹	
۱۳	تغییرات تراز تجاری غیرنفتی با ترکیه	۱۳=۴-۱۱		-۵۱۶۶۳	
۱۴	تغییرات تراز تجاری غیرنفتی کشور پس از FTA	۱۴=۸-۹		-۲۵۶۲۸۷	

مأخذ: <http://wits.worldbank.org> و محاسبات و تحقیق

جدول، بیش از ۵۷ درصد کالاهای وارداتی ایران از ترکیه را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر برآوردهای تحقیق نیز نشان می‌دهد که بیش از ۶۲ درصد افزایش واردات مربوط به این‌گونه کالاها خواهد بود که بخش اعظم این افزایش ناشی از اثر ایجاد تجارت (خلق تجارت جدید) است. یعنی دلیل افزایش واردات این کالاها علاوه بر کاهش قیمت آنها در اثر حذف موانع تعرفه‌ای مربوط به کشش تقاضای وارداتی بالای این‌گونه کالاها نیز می‌باشد که منجر به خلق واردات جدید می‌گردد.

جدول شماره (۵) - ترکیب کالاهای وارداتی ایران از ترکیه و پیش‌بینی تغییرات در واردات آنها پس از ایجاد FTA

نوع کالا	ارزش واردات (سال ۲۰۰۷)	سهم از کل واردات (درصد)	پس از ایجاد FTA			
			ایجاد تجارت (هزار دلار)	انحراف تجارت (هزار دلار)	کل آثار (هزار دلار)	سهم از کل تغییرات (درصد)
واسطه‌ای	۳۶۴۹۴۷	۲۶/۱	۱۷۱۲۶۵	۱۰۰۸۷۷۷	۲۸۰۰۴۲	۴۲
سرمایه‌ای	۴۲۶۴۱۸	۳۱/۲	۷۲۰۰۳	۶۲۲۴۹	۱۳۴۲۵۳	۲۰/۲
مصرفی	۵۸۲۳۵۹	۴۱/۷	۱۶۰۰۳۱	۸۷۰۴۹	۲۴۷۰۷۹	۳۷/۱
مواد خام	۱۳۲۲۱	۰/۹	۲۵۷۱	۲۲۱۱	۴۷۸۲	۰/۷
کل کالاها	۱۳۹۷۸۴۵	۱۰۰	۴۰۵۸۷۰	۲۶۰۲۸۶	۶۶۶۱۵۶	۱۰۰

مأخذ: <http://wits.worldbank.org/> و محاسبات تحقیق

بررسی و تحلیل اثرات موافقتنامه بر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای: نتایج برآوردها نشان می‌دهد که افزایش در واردات ایران از ترکیه گسترده‌تر از افزایش در صادرات ایران به آن کشور می‌باشد و تغییرات متغیرهای صادرات و واردات در مجموع منجر به کسری تراز تجاری با ترکیه خواهد شد، اما تراز تجاری کشور با جهان به تفاوت بین صادرات و ایجاد تجارت در ایران به نفع ترکیه دچار کسری خواهد شد، چون واردات مربوط به اثر انحراف تجارت قبل از ایجاد FTA نیز از کشورهای دیگر صورت می‌پذیرفت. کسری تراز تجاری شاید به‌عنوان یک عامل بازدارنده در تمایل مسئولان به منظور ایجاد یک منطقه تجارت آزاد با کشور مذکور باشد؛ اما بایستی توجه نمود که نمی‌توان هرگونه وارداتی را زیان‌آور دانست. به‌عبارت دیگر نوع و ترکیب کالاهای وارداتی از لحاظ مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای بودن عامل بسیار مهمی در جهت تولید کالاها با هزینه پایین‌تر و افزایش قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای خارجی و در نتیجه توسعه صادرات در سال‌های آتی می‌باشد. در جدول شماره (۵) بر اساس طبقه‌بندی انجام‌شده از سوی بانک جهانی، ترکیب کالاهای وارداتی ایران از ترکیه مشخص شده است. مطابق این

اگرچه حذف کلیه موانع تعرفه‌ای مسیر را برای واردات کالاهای مصرفی نیز هموار خواهد نمود و برآوردهای تحقیق نیز نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد از افزایش واردات مربوط به این‌گونه کالاها خواهد بود، اما در این مورد نیز بایستی توجه داشت که تمامی این افزایش واردات ناشی از ایجاد تجارت نیست، بلکه بخشی از آن مربوط به اثر انحراف تجارت است، یعنی وارداتی که تغییری در کل واردات کشور ایجاد نمی‌کند و قبلاً انجام می‌شد، اما پس از تشکیل FTA در اثر ارزان تر شدن کالاهای تولید ترکیه به دلیل حذف موانع تعرفه‌ای، از کشور مذکور انجام می‌شود. علاوه بر اینها برخی از بنگاه‌های تولیدی کالاهای مصرفی قدرت رقابت با مشابه خارجی را داشته و نگرانی از بابت خسارت به آنها ندارد و در مورد برخی دیگر بنگاه‌ها که تولیدکننده کالاهای مصرفی و یا واسطه‌ای که سرمایه‌گذاری‌های نیز در خصوص آنها انجام شده و به دلیل نقش در ارزش افزوده و یا اشتغال‌زای نیازمند حمایت هستند، راهکارهایی به منظور حمایت‌های هدفمند در جریان مذاکرات تجاری وجود دارد که با شناسایی این‌گونه بنگاه‌ها می‌توان حمایت لازم را از آنها به عمل آورد. لذا تشکیل این‌گونه موافقتنامه‌ها نه تنها در

توسعه تجارت و صادرات کشور مؤثر است، بلکه به دلیل تأمین نیازهای وارداتی صنایع در کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای موجبات تولید و اشتغال بیشتر را در صنایع کارا فراهم آورده و علاوه بر آن هم از اتلاف منابع کشور در صنایع و بنگاه‌های ناکارآمد نیز جلوگیری به عمل خواهد آورد و هم اثرات پویای موافقتنامه در صورت اتخاذ برنامه هدفمند در بخش اقتصادی کشور باعث به وجود آمدن صنایع جدید و مزایای ناشی از آن به ویژه در زمینه رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد.

فرجام

نتایج بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد در صورت تشکیل یک موافقتنامه تجارت آزاد بین ایران و ترکیه، حجم تجارت و صادرات غیر نفتی ایران به ترتیب به میزان ۲۱/۴ درصد و ۶/۲ درصد افزایش خواهد یافت. اگرچه به دلیل تعرفه‌های بالای ایران (میانگین حسابی و وزنی تعرفه کالاها به ترتیب ۲۸/۹ درصد آن ۲۴/۷ درصد) در مقایسه با کشور ترکیه (میانگین حسابی و وزنی تعرفه کالاها به ترتیب ۳/۲ درصد آن ۱/۲۴ درصد)، افزایش در واردات ایران گسترده‌تر از صادرات ایران خواهد بود و کسری تراز تجاری با ترکیه را به دنبال خواهد داشت. اما نتایج دیگر نشان می‌دهد که این

نقش آنها در ارزش افزوده و اشتغال کشور انجام شده است نیز، راهکارهای به منظور حمایت‌های هدفمند در جریان مذاکرات تجاری وجود دارد که با شناسایی این‌گونه بنگاه‌ها می‌توان در چارچوب توافقات موافقتنامه مذکور حمایت لازم را از آنها به‌عمل آورد. لذا تشکیل این‌گونه موافقتنامه نه تنها در توسعه تجارت و صادرات کشور مؤثر است، بلکه به‌دلیل تأمین نیازهای وارداتی صنایع در کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای موجبات تولید و اشتغال بیشتر را در صنایع کارا فراهم آورده و علاوه بر آن هم از اتلاف منابع کشور در صنایع و بنگاه‌های ناکارآمد نیز جلوگیری به‌عمل خواهد آورد و هم اثرات پویای موافقتنامه در صورت اتخاذ برنامه هدفمند در بخش اقتصادی کشور باعث به‌وجود آمدن صنایع جدید و مزایای ناشی از آن به‌ویژه در زمینه رشد و توسعه اقتصادی خواهد گردید.

پانوشتها

۱- بررسی آمارهای گزارش‌شده درخصوص تجارت ایران و ترکیه در منابع آماری معتبر جهانی حاکی از اختلاف فاحش بین گزارش ایران و گزارش ترکیه به ویژه در مورد آمار صادرات ایران به ترکیه است. به منظور آگاهی از میزان اختلافات آماری به جداول زیر توجه کنید:

موضوع نایستی به‌عنوان عامل بازدارنده در اراده مسئولان به منظور حضور در یک همگرایی منطقه‌ای و ایجاد یک منطقه تجارت آزاد با ترکیه باشد؛ منظور از افزایش تجارت که در ادبیات توسعه اقتصادی همواره به‌عنوان موتور رشد اقتصادی کشورها مطرح است و تجربه کشورهای موفق نیز مؤید این موضوع است، تنها مربوط به افزایش صادرات کشورها نمی‌باشد. از آنجا که واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ارزان‌تر، عامل بسیار مهمی در کاهش هزینه‌های تولید و افزایش قدرت رقابت‌پذیری با مشابه خارجی و در نتیجه توسعه صادرات در سال‌های آتی می‌باشد، لذا نمی‌توان هر وارداتی را زیان‌آور دانست. بررسی‌های تحقیق نشان می‌دهد بیش از ۶۲ درصد افزایش واردات ایران پس از تشکیل FTA با ترکیه مربوط به این‌گونه کالاها خواهد بود.

از طرف دیگر محتمل است که برخی از بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای مصرفی قدرت رقابت با مشابه خارجی را داشته باشد و نگرانی از از بابت خسارت به تولید و اشتغال این دسته از بنگاه‌ها وجود ندارد. در مورد برخی دیگر بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای مصرفی و یا واسطه‌ای که احیاناً سرمایه‌گذاری‌هایی در خصوص آنها به‌دلیل

شرح		۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
ارزش واردات	واردات ایران از ترکیه (بانک جهانی، گزارش ایران)	۴۶۵	۶۹۳	۸۵۶
	صادرات ترکیه به ایران (بانک جهانی، گزارش ترکیه)	۵۳۴	۸۱۳	۹۱۳
ارزش واردات از ترکیه (به میلیون دلار)	واردات ایران از ترکیه (گزارش IMF)	۵۸۷	۸۹۱	۱۱۴۴
	صادرات ترکیه به ایران (گزارش IMF)	۵۳۴	۸۱۰	۱۰۴۰
ارزش صادرات ایران	صادرات ایران به ترکیه (بانک جهانی، گزارش ایران)	۱۱۶	۱۲۰	۳۷۰
	واردات ترکیه از ایران (بانک جهانی، گزارش ترکیه)	۱۸۶۱	۱۹۶۲	۳۴۷۰
ارزش صادرات ایران به ترکیه (به میلیون دلار)	صادرات ایران به ترکیه (گزارش IMF)	۱۶۹۲	۱۷۸۳	۲۵۴۴
	واردات ترکیه از ایران (گزارش IMF)	۱۸۶۱	۱۹۶۱	۲۷۹۸

داد. آگاهی نسبت به علت این اختلاف و ارائه دلایل مستدل نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر و جداگانه می‌باشد که از حوصله این مقاله خارج است.

۲- شامل محصولات تحت پوشش موافقتنامه کشاورزی سازمان تجارت جهانی (WTO) تعریف شده بر اساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی محصولات (HS) می‌باشد. این محصولات فصول ۱ تا ۲۴ نظام هماهنگ تعرفه‌های گمرکی را به استثناء ماهی و فراورده‌های آن (کد ۰۳) و همچنین گروهی محدود از محصولات دیگر مانند محصولات جنگلی (بخش‌های از کد ۰۶) را در بر می‌گیرد.

منابع فارسی

۱. ارباب، حمیدرضا (۱۳۸۰)، *منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با کشورهای اکو*، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. اشرف زاده، سید حمیدرضا (فروردین ۱۳۷۵)، *اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا (EC) بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۹۰-۱۹۸۰)*، مجموعه مقالات سمینار شناخت استعدادهای بازرگانی-اقتصادی استان کرمان. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اداره بازرگانی استان کرمان و دانشگاه شهید باهنر، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۳. ثاقب، حسن و سیف‌اله صادقی یارنندی، (۱۳۸۵)، *بررسی آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت*، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۸، بهار ۱۳۸۵.

بین گزارش ایران از ارزش واردات از ترکیه و گزارش ترکیه از ارزش صادرات به ایران اختلافات چندانی مشاهده نمی‌گردد و اختلافات اندک به دلیل تفاوت‌های معمول بین قیمت‌های فوب صادراتی و سیف وارداتی، قابل اغماض است. اما در خصوص آمار صادرات ایران اختلافات بسیار فاحش است و در گزارش ایران از صادرات به ترکیه بیشتر به چشم می‌خورد، به طوری که در سال ۲۰۰۵ طبق گزارش ایران رقم صادرات ایران به ترکیه ۳۷۰ میلیون دلار بوده، حال آنکه رقم گزارش شده ترکیه در مورد واردات از ایران در همان سال ۳۴۷۰ میلیون دلار یا ۳/۴ میلیارد دلار بوده است. به هر حال به نظر می‌رسد این اختلاف را نمی‌توان تنها به تفاوت بین قیمت‌های فوب صادراتی و سیف وارداتی و یا اشتباهات آماری نسبت

۴. ثاقب، حسن، (۱۳۸۷)، *اثرات حذف موانع تعرفه‌ای بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در قالب اتحادیه گمرکی بر جریانات تجاری ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهش و آموزش، مدیریت مطالعات و پژوهش‌های بازار مشترک اسلامی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۵. _____ (۱۳۸۶)، *پیامدهای بازرگانی ایجاد منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا بر تجارت ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازار مشترک اسلامی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۶. _____ (۱۳۸۵)، *ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقتنامه نظام ترجیحات تجاری سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): مطالعه‌ای در قالب سناریوهای مختلف کاهش تعرفه‌ای*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت مطالعات بازار مشترک اسلامی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - ایرنا (۱۳ شهریور ۱۳۸۷)، *تقویت روابط کشورهای عربی خلیج فارس با ترکیه*.
- (HWWA).Hamburg Institute of International Economics.
9. Jachia L. and Teljeur E(1998). Free Trade between South Africa and The European Union Quantitative Analysis, *TIPS Working Paper N. 11, 1998*
10. Stern, R.. M.. and Others(1976). *Price Elasticities in International Trade*, London: Basinstoke.
11. Tsikata, Y. M.(1999). *Southern Africa: Trade, Liberalization and Impliactions for A Free Trade Area*, TIPS Annual Forum at Glenburn Lodge, Muldersdrift 19-22 September, 1999.
12. Van Seventer, D. E. and Thembi, M.(2001). *A Free Trade Area Between South Africa and India: Which Commodities Matter?*, TIPS. Policy Review Workshop, August 2001.

منابع انگلیسی

8. Busse, M. Huth, M. Koopmann, G(2000). *Preferential Trade Agreements: The Case of EU-Mexico*, HWWA Discussion Paper. Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archiv

